

تعارض حمایت‌های خاص ایثارگران با الزامات مقابله با جرائم امنیتی، تحلیل حقوق شهروندی و حدود مسئولیت کیفری

لیلا نصیر پور قورولی

۱- وکیل پایه یک دادگستری، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تبریز، ایران

چکیده

ایثارگران به دلیل نقش و جایگاه ویژه‌ای که در نظام حقوقی و اجتماعی ایران دارند، از حمایت‌ها و امتیازات خاصی برخوردارند که هدف اصلی آنها تکریم جایگاه ایثارگری و جبران بخشی از آثار و پیامدهای ناشی از ایثار و فداکاری آنان است. با این حال، هنگامی که فرد ایثارگر در مظان ارتکاب یا محکومیت به جرائم امنیتی قرار می‌گیرد، میان ضرورت برخورداری وی از حمایت‌های قانونی خاص و الزامات مربوط به حفظ امنیت عمومی و مقابله با جرائم امنیتی، چالش‌هایی قابل توجه پدیدار می‌شود. مسئله اساسی پژوهش حاضر آن است که حمایت‌های خاص مقرر برای ایثارگران تا چه اندازه می‌تواند در فرایند کیفری جرائم امنیتی مورد استناد قرار گیرد و مرز میان حمایت قانونی از ایثارگران و ایجاد مصونیت یا امتیاز کیفری برای آنان کجاست. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ضمن تبیین مبانی حقوق شهروندی و فلسفه حمایت‌های خاص از ایثارگران، الزامات حاکم بر مقابله با جرائم امنیتی و اصول بنیادین مسئولیت کیفری و دادرسی عادلانه را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخورداری از عنوان ایثارگری، اصل مسئولیت کیفری و ضرورت پاسخ‌گویی در برابر ارتکاب جرم را منتفی نمی‌سازد و حمایت‌های مقرر برای این گروه نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که موجب مصونیت از تعقیب، تبعیض ناروا در برابر سایر شهروندان یا اخلاف در اجرای عدالت کیفری شود. در مقابل، الزامات امنیتی نیز نمی‌تواند مجوز نادیده گرفتن حقوق بنیادین متهم ایثارگر، از جمله اصل برائت، حق دفاع، حق دسترسی به وکیل، حق برخورداری از دادرسی عادلانه و منع رفتارهای غیرقانونی باشد. بر این اساس، چالش اصلی در این حوزه، ایجاد توازن میان «حمایت افتراقی و جبرانی از ایثارگران» از یک سو و «اصل برابری در برابر قانون و الزامات مقابله با جرائم امنیتی» از سوی دیگر است. نتایج پژوهش بر ضرورت تفکیک میان حمایت‌های اجتماعی و قانونی ایثارگران با مصونیت کیفری، تفسیر مضیق محدودیت‌های حقوق شهروندی، رعایت تناسب میان نوع حمایت و وضعیت کیفری فرد و تضمین حقوق بنیادین متهمان ایثارگر تأکید دارد. بر این مبنا، می‌توان گفت حمایت از ایثارگران و تأمین امنیت عمومی دو هدف متعارض ذاتی نیستند، بلکه با طراحی دقیق حدود حمایت‌ها و رعایت اصول بنیادین حقوق کیفری می‌توان میان آنها تعادل حقوقی برقرار کرد.

واژگان کلیدی: ایثارگران، حقوق شهروندی، جرائم امنیتی، حمایت‌های خاص، مسئولیت کیفری، دادرسی عادلانه، برابری در برابر قانون.

مقدمه

حقوق شهروندی از بنیادی‌ترین مفاهیم نظام‌های حقوقی معاصر است که بر شناسایی، تضمین و حمایت از مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد در برابر قدرت عمومی و در روابط اجتماعی استوار است. این حقوق، صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی، شغلی، اقتصادی یا پیشینه افراد، باید در چارچوب قانون برای تمامی شهروندان تضمین شود و دولت نیز مکلف است از طریق وضع قوانین مناسب و ایجاد سازوکارهای اجرایی و قضایی مؤثر، زمینه تحقق آنها را فراهم سازد. اهمیت حقوق شهروندی در حوزه کیفری دوچندان است؛ زیرا در این حوزه، قدرت عمومی با استفاده از ابزارهایی همچون تعقیب، تحقیق، بازداشت، محاکمه و مجازات، بیشترین مداخله را در آزادی و حقوق فردی اشخاص اعمال می‌کند. از این‌رو، نظام عدالت کیفری باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن تأمین امنیت و نظم عمومی، از تبدیل قدرت کیفری به ابزاری برای نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد جلوگیری کند.

در این میان، اصل برابری در برابر قانون یکی از مهم‌ترین مبانی حقوق شهروندی به شمار می‌رود. بر اساس این اصل، برخورداری از حقوق و تکالیف قانونی نباید به صورت خودسرانه تابع موقعیت و ویژگی‌های شخصی افراد باشد. با این حال، برابری به معنای رفتار کاملاً یکسان با تمام اشخاص نیست؛ بلکه در برخی موارد، تفاوت‌های واقعی و قابل توجیه می‌تواند مبنای حمایت‌های افتراقی قرار گیرد. حمایت از گروه‌هایی که به دلیل شرایط خاص اجتماعی، تاریخی یا ایفای نقش ویژه در جامعه نیازمند حمایت بیشتری هستند، در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. در این چارچوب، ایثارگران در نظام حقوقی ایران از جایگاه خاصی برخوردارند و قانونگذار با توجه به نقش آنان در دفاع از کشور و ارزش‌های مورد حمایت جامعه، مجموعه‌ای از حمایت‌ها و امتیازات را برای آنان پیش‌بینی کرده است.

فلسفه حمایت از ایثارگران را نمی‌توان صرفاً در اعطای امتیازات مادی یا رفاهی خلاصه کرد. این حمایت‌ها در نگاه قانونگذار، واجد جنبه جبرانی، حمایتی و تکریمی بوده و با هدف ارج نهادن به ایثار و فداکاری و جبران بخشی از آثار و پیامدهای ناشی از آن شکل گرفته‌اند. با این حال، وجود حمایت‌های خاص، این پرسش مهم را مطرح می‌کند که حدود این حمایت‌ها در مواجهه با مسئولیت کیفری افراد ایثارگر تا کجاست و آیا عنوان ایثارگری می‌تواند در فرایند کیفری، به ویژه در جرائم امنیتی، آثار خاصی ایجاد کند یا خیر. این پرسش زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که موضوع ارتکاب جرائم امنیتی مطرح باشد. جرائم امنیتی به دلیل ارتباط مستقیم با امنیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، نظم عمومی و سایر مصالح اساسی جامعه، از حساسیت ویژه‌ای برخوردارند. دولت‌ها معمولاً برای مقابله با این دسته از جرائم، سازوکارهای خاصی در حوزه کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، محاکمه و مجازات پیش‌بینی می‌کنند. همین حساسیت ممکن است در مواردی موجب توسعه مداخلات کیفری و افزایش محدودیت‌های اعمال شده بر برخی حقوق متهمان شود. در چنین شرایطی، هنگامی که متهم یا محکوم به جرم امنیتی از گروه ایثارگران باشد، وضعیت حقوقی پیچیده‌تری شکل می‌گیرد؛ زیرا از یک سو، وی همچنان شهروندی برخوردار از حقوق بنیادین و اصول دادرسی عادلانه است و از سوی دیگر، عنوان ایثارگری وی ممکن است موجب برخورداری از حمایت‌ها و امتیازات خاص قانونی شود.

مسئله اساسی در این وضعیت، تعیین مرز میان حمایت قانونی از ایثارگران و مصونیت از مسئولیت کیفری است. برخورداری از حمایت‌های خاص نباید به گونه‌ای تفسیر شود که فرد ایثارگر را در برابر قانون کیفری مصون سازد یا موجب ایجاد امتیازی ناموجه در برابر سایر شهروندان شود. در مقابل، ارتکاب جرم امنیتی نیز نباید موجب تمامی حمایت‌های قانونی فرد ایثارگر بدون بررسی و به صورت مطلق نادیده گرفته شود. بنابراین، ضرورت دارد میان ماهیت حمایت‌های ایثارگری و آثار مسئولیت کیفری تفکیک صورت گیرد و مشخص شود که کدام حمایت‌ها جنبه اجتماعی، رفاهی یا جبرانی دارند و کدام یک ممکن است در فرایند کیفری واجد اثر باشند.

از منظر حقوق کیفری، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و اصل برابری افراد در برابر قانون اقتضا می‌کند که انتساب عنوان یا موقعیت اجتماعی خاص به فرد، فی‌نفسه موجب زوال مسئولیت کیفری وی نشود. مسئولیت کیفری مبتنی بر رفتار مجرمانه، شرایط تحقق جرم و احراز عناصر قانونی، مادی و معنوی آن است. بنابراین، ایثارگر بودن شخص نمی‌تواند به تنهایی مانع تحقق جرم یا

موجب رفع مسئولیت کیفری شود؛ مگر آنکه قانونگذار به طور صریح و در حدود مشخص، اثر حقوقی خاصی برای این عنوان در نظر گرفته باشد. از همین رو، تفسیر موسع حمایت‌های خاص در جهت ایجاد نوعی مصونیت کیفری، با اصول بنیادین حقوق کیفری و ضرورت حاکمیت قانون سازگار نخواهد بود.

در مقابل، باید توجه داشت که تأمین امنیت عمومی نیز نمی‌تواند بهانه‌ای برای کنار گذاشتن اصول بنیادین دادرسی عادلانه باشد. حتی در جرائم امنیتی، متهم همچنان از اصل برائت، حق دفاع، حق دسترسی به وکیل در حدود مقررات قانونی، حق برخورداری از رسیدگی قانونی و سایر تضمین‌های دادرسی برخوردار است. امنیت و عدالت دو ارزش متعارض ذاتی نیستند؛ بلکه نظام عدالت کیفری مطلوب باید بتواند میان این دو ارزش تعادل ایجاد کند. اگر مقابله با جرائم امنیتی بدون رعایت حقوق شهروندی انجام گیرد، امنیت حاصل شده ممکن است به قیمت تضعیف اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری به دست آید و اگر حمایت از حقوق متهم به گونه‌ای باشد که ضرورت‌های واقعی تأمین امنیت را نادیده بگیرد، کارکرد نظام کیفری در حمایت از جامعه با اختلال مواجه خواهد شد.

از این منظر، وضعیت ایثارگران متهم به جرائم امنیتی را می‌توان در چارچوب مفهوم حمایت افتراقی مورد تحلیل قرار داد. حمایت افتراقی با تبعیض ناروا تفاوت دارد. حمایت زمانی مشروع است که دارای مبنای قانونی، هدف موجه و رابطه منطقی با وضعیت خاص گروه مورد حمایت باشد. بنابراین، اگر قانونگذار برای ایثارگران حمایت خاصی پیش‌بینی کرده باشد، اجرای آن در فرایند کیفری باید در همان حدود قانونی صورت گیرد و نمی‌توان صرفاً بر اساس ملاحظات ارزشی یا اجتماعی، دامنه حمایت را به حوزه‌هایی گسترش داد که قانونگذار برای آن اثری مقرر نکرده است.

اهمیت این بحث زمانی بیشتر می‌شود که حمایت‌های خاص ایثارگران در برابر الزامات مقابله با جرائم امنیتی قرار گیرد. در چنین وضعیتی، ممکن است میان ارزش‌هایی همچون تکریم ایثارگران، حمایت از حقوق آنان و حفظ شأن اجتماعی این گروه، از یک سو، و ضرورت برخورد مؤثر با رفتارهایی که امنیت عمومی یا امنیت ملی را تهدید می‌کنند، از سوی دیگر، نوعی تعارض ظاهری شکل گیرد. حل این تعارض نیازمند آن است که ابتدا ماهیت و هدف هر یک از این دو دسته ارزش مشخص شود و سپس بر اساس اصول حقوقی، حدود تقدم و تأخر آنها تعیین گردد.

یکی از نکات اساسی در این زمینه آن است که حمایت از ایثارگر با حمایت از رفتار مجرمانه او تفاوت دارد. نظام حقوقی می‌تواند همچنان شأن و جایگاه ایثارگر را محترم بداند و در عین حال، در صورت اثبات ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری وی را نیز اعمال کند. به عبارت دیگر، محکومیت کیفری لزوماً تمام آثار و حقوق اجتماعی ناشی از ایثارگری را از بین نمی‌برد و از سوی دیگر، برخورداری از مزایای ایثارگری نیز نباید مانع اجرای قانون کیفری شود؛ مگر در مواردی که قانون به صراحت چنین اثری را مقرر کرده باشد. این تفکیک، یکی از مبانی مهم تحلیل حقوقی موضوع حاضر است.

از سوی دیگر، باید میان مرحله پیش از اثبات جرم و مرحله پس از محکومیت قطعی نیز تفاوت قائل شد. فرد ایثارگر در مرحله اتهام همچنان مشمول اصل برائت است و صرف انتساب جرم امنیتی نمی‌تواند موجب سلب خودکار حقوق شهروندی یا حمایت‌های قانونی وی شود. پس از اثبات جرم نیز آثار محکومیت باید دقیقاً بر اساس قانون تعیین شود و نمی‌توان بدون مبنای قانونی، تمامی حقوق و حمایت‌های فرد را زایل شده تلقی کرد. این تفکیک می‌تواند از برخوردهای سلیقه‌ای و تفسیرهای موسع در هر دو جهت جلوگیری کند.

بر همین اساس، پژوهش حاضر درصدد است با رویکردی حقوقی و تحلیلی، تعارض حمایت‌های خاص ایثارگران با الزامات مقابله با جرائم امنیتی را بررسی کند و مشخص سازد که نظام حقوقی چگونه می‌تواند میان حمایت از این گروه و ضرورت اعمال اقتدار کیفری تعادل برقرار سازد. در این راستا، ضمن بررسی مبانی حقوق شهروندی و جایگاه حقوقی ایثارگران، حدود مسئولیت کیفری آنان در صورت ارتکاب جرائم امنیتی و آثار عنوان ایثارگری بر فرایند کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد.

اهمیت پژوهش از آن جهت است که بررسی وضعیت ایثارگران در فرایند کیفری نباید به دو رویکرد افراطی منتهی شود؛ نخست، رویکردی که به دلیل جایگاه ویژه ایثارگران، حمایت‌های قانونی را تا مرز مصونیت کیفری گسترش دهد و دوم، رویکردی که به دلیل

ماهیت امنیتی جرم، حقوق و حمایت‌های قانونی متهم ایتارگر را نادیده بگیرد. رویکرد صحیح، مستلزم ایجاد تعادل میان کرامت و حقوق شهروندی فرد ایتارگر و ضرورت صیانت از امنیت عمومی است.

بر این اساس، سؤال بنیادین این پژوهش آن است که حمایت‌های خاص پیش‌بینی‌شده برای ایتارگران در مواجهه با الزامات مقابله با جرائم امنیتی تا چه اندازه قابل اعمال است و حدود مسئولیت کیفری آنان چگونه باید تعیین شود؟ پاسخ به این پرسش مستلزم توجه همزمان به اصول حقوق کیفری، قواعد دادرسی عادلانه، مقررات حمایتی مربوط به ایتارگران و الزامات حفظ امنیت عمومی است. در نهایت، فرض اساسی پژوهش بر این مبنا قرار دارد که ایتارگری نه موجب مصونیت از مسئولیت کیفری است و نه مجوز نادیده گرفتن حقوق شهروندی فرد در فرایند کیفری. حمایت‌های خاص باید در حدود قانون و با رعایت اصل تناسب اعمال شوند و محدودیت‌های ناشی از ضرورت مقابله با جرائم امنیتی نیز باید مستند به قانون، ضروری و متناسب با هدف مورد نظر باشند. بر این اساس، می‌توان میان دو ارزش ظاهراً متعارض، یعنی حمایت از ایتارگران و تأمین امنیت عمومی، جمع منطقی برقرار کرد؛ به نحوی که نه شأن و حقوق قانونی ایتارگران مخدوش شود و نه عنوان ایتارگری به عاملی برای ایجاد مصونیت یا تبعیض ناروا در حوزه مسئولیت کیفری تبدیل گردد.

۱. کلیات و مفاهیم بنیادین

۱-۱. مفهوم و مبانی حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از مهم‌ترین مفاهیم نظام حقوقی معاصر است که در نقطه تلاقی حقوق فردی، آزادی‌های عمومی و تکالیف دولت قرار می‌گیرد. شهروند در معنای حقوقی، فردی است که در قلمرو یک نظام سیاسی و حقوقی زندگی می‌کند و در برابر دولت و جامعه، از مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های اساسی برخوردار است و در عین حال، تکالیف و مسئولیت‌هایی نیز بر عهده دارد. بر این اساس، حقوق شهروندی را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از امتیازات برای افراد دانست؛ بلکه این مفهوم، متضمن ایجاد تعادل میان اقتدار عمومی و آزادی‌های فردی است. دولت از یک سو برای حفظ نظم، امنیت و مصالح عمومی از قدرت قانونی برخوردار است و از سوی دیگر، مکلف است اعمال این قدرت را در محدوده قانون و با رعایت کرامت و حقوق بنیادین افراد انجام دهد (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲۱).

اهمیت حقوق شهروندی در حوزه کیفری بیش از سایر حوزه‌هاست؛ زیرا فرایند کیفری اساساً با اعمال اقتدار عمومی بر فرد همراه است. کشف جرم، تعقیب متهم، احضار، جلب، بازداشت، تحقیقات مقدماتی، بازرسی، محاکمه و اجرای مجازات، همگی می‌توانند محدودیت‌هایی را بر آزادی و حقوق فردی اشخاص ایجاد کنند. از این‌رو، اگر این اقدامات بدون رعایت ضوابط قانونی و تضمین‌های حقوقی انجام شوند، فرایند کیفری می‌تواند از وسیله‌ای برای تحقق عدالت به ابزاری برای نقض حقوق شهروندی تبدیل شود. به همین دلیل، حقوق شهروندی در فرایند کیفری نقشی دوگانه دارد: از یک سو، حقوق بزه‌دیده و جامعه را مورد حمایت قرار می‌دهد و از سوی دیگر، مانع اعمال خودسرانه قدرت کیفری علیه متهم می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۱۵۵).

از منظر حقوق کیفری، یکی از مهم‌ترین مبانی حقوق شهروندی، اصل حاکمیت قانون است. مطابق این اصل، هیچ فردی نباید بدون مجوز قانونی در معرض تعقیب، بازداشت، محاکمه یا مجازات قرار گیرد. بنابراین، حتی هنگامی که رفتار ارتكابی از نوع جرائم امنیتی باشد و جامعه با تهدیدی جدی مواجه شود، اعمال قدرت کیفری باید در چارچوب قانون صورت گیرد. حساسیت جرم نمی‌تواند اصل قانونی بودن جرم و مجازات یا سایر اصول بنیادین دادرسی را به طور کامل کنار بگذارد. در حقیقت، یکی از شاخص‌های مهم یک نظام عدالت کیفری کارآمد آن است که بتواند میان ضرورت تأمین امنیت عمومی و ضرورت حمایت از حقوق فردی تعادل برقرار کند.

در نظام حقوقی ایران نیز حقوق شهروندی دارای مبانی متعددی در قانون اساسی و قوانین عادی است. اصولی همچون کرامت انسانی، منع تعرض به حیثیت و حقوق اشخاص، منع دستگیری خودسرانه، حق دادخواهی، اصل برائت، حق داشتن وکیل و منع شکنجه، مجموعه‌ای از تضمین‌های بنیادین حقوق شهروندی را در فرایند کیفری تشکیل می‌دهند. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری با

تأکید بر حقوق متهم و ضرورت رعایت اصول دادرسی عادلانه، تلاش کرده است میان اقتدار نهادهای کیفری و حقوق اشخاص تحت تعقیب تعادل ایجاد کند.

در این میان، مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که شخص تحت تعقیب، علاوه بر موقعیت یک متهم، دارای وضعیت حقوقی خاص نیز باشد. ایثارگران از جمله گروه‌هایی هستند که قانونگذار به دلیل ویژگی‌ها و سوابق خاص آنان، حمایت‌هایی را برایشان در نظر گرفته است. در نتیجه، هنگامی که یک ایثارگر در مظان ارتکاب جرم امنیتی قرار می‌گیرد، دو مجموعه از ملاحظات حقوقی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند: نخست، حقوق عمومی و شهروندی وی به عنوان یک متهم و دوم، حمایت‌های خاصی که به اعتبار وضعیت ایثارگری برای او شناسایی شده است.

بنابراین، مفهوم حقوق شهروندی در پژوهش حاضر تنها به معنای حمایت از متهم در برابر دستگاه کیفری نیست، بلکه مفهومی گسترده‌تر دارد و رابطه میان شهروند، دولت، جامعه و نظام عدالت کیفری را در بر می‌گیرد. اهمیت این مسئله در مورد ایثارگران از آن جهت است که حمایت از آنان باید به گونه‌ای تفسیر شود که ضمن حفظ شأن و حقوق قانونی این گروه، اصل برابری در برابر قانون و ضرورت پاسخ‌گویی در برابر رفتار مجرمانه نیز مخدوش نشود.

از این منظر، می‌توان گفت حقوق شهروندی در پرونده‌های امنیتی در نقطه‌ای حساس میان دو ارزش مهم قرار می‌گیرد: امنیت و آزادی. امنیت شرط اساسی استمرار نظم اجتماعی است و بدون آن، امکان بهره‌مندی واقعی از بسیاری از حقوق شهروندی نیز وجود نخواهد داشت؛ اما امنیت نیز نمی‌تواند به مفهومی مطلق تبدیل شود که هر نوع محدودیتی را توجیه کند. محدودیت حقوق شهروندی زمانی مشروع است که دارای مبنای قانونی، هدف مشروع و تناسب با تهدید موردنظر باشد. همین معیار تناسب، در بررسی وضعیت ایثارگران متهم به جرائم امنیتی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ زیرا باید مشخص شود که آیا عنوان ایثارگری می‌تواند مبنای برخورداری از حمایت خاص باشد و در مقابل، آیا ماهیت امنیتی اتهام می‌تواند موجب محدودسازی حقوقی شود که قانون برای آنان شناسایی کرده است.

۲-۱ مفهوم جرم امنیتی و ویژگی‌های آن

جرائم امنیتی از جمله جرائمی هستند که موضوع حمایت کیفری در آنها، امنیت کشور، استقلال، تمامیت ارضی، نظم اساسی و سایر مصالح بنیادین جامعه است. ویژگی مهم این جرائم آن است که آثار آنها ممکن است فراتر از زیان وارد شده به یک فرد مشخص باشد و امنیت جمعی را تحت تأثیر قرار دهد. همین ویژگی سبب شده است که قانونگذار در بسیاری از نظام‌های حقوقی، سیاست جنایی خاصی نسبت به این جرائم اتخاذ کند. با این حال، امنیتی بودن جرم نباید به معنای حذف اصول بنیادین حقوق کیفری باشد. حتی در این دسته از جرائم نیز اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، حق دفاع و سایر اصول دادرسی باید رعایت شوند.

۳-۱ مبنای جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت

مبنای اصلی جرم‌انگاری جرائم امنیتی، حمایت از مصالح بنیادین جامعه و جلوگیری از رفتارهایی است که می‌تواند ساختار سیاسی، استقلال، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی را با تهدید مواجه کند.

جرم‌انگاری در این حوزه باید بر اساس اصل ضرورت صورت گیرد؛ زیرا توسعه بیش از اندازه مفهوم امنیت می‌تواند دامنه مداخله کیفری را به گونه‌ای گسترش دهد که رفتارهایی با خطر واقعی برای امنیت، در کنار رفتارهایی قرار گیرند که صرفاً دارای ماهیت متفاوت سیاسی یا اجتماعی هستند. از این جهت، یکی از مهم‌ترین الزامات سیاست جنایی در حوزه جرائم امنیتی، تعیین دقیق قلمرو جرم و پرهیز از تفسیر موسع عناوین کیفری است.

۴-۱. تمایز جرائم امنیتی از جرائم عمومی

جرائم امنیتی از جرائم عمومی از حیث موضوع حمایت کیفری و گاه از حیث نحوه رسیدگی متمایز هستند. در جرم عمومی، معمولاً حق یا منفعت یک فرد یا گروه مشخص در معرض تعرض قرار می‌گیرد؛ در حالی که در جرم امنیتی، موضوع حمایت می‌تواند امنیت عمومی یا مصالح بنیادین جامعه باشد. البته این تفاوت نباید به معنای تفاوت در ارزش انسانی متهمان باشد. متهم جرم امنیتی نیز همچنان از کرامت انسانی و حقوق بنیادین برخوردار است. بنابراین، تفاوت در ماهیت جرم نمی‌تواند به تفاوت در ارزش انسانی فرد منجر شود.

ماهیت برخی جرائم امنیتی اقتضا می‌کند که قانونگذار سازوکارهای ویژه‌ای برای کشف جرم، تحقیقات و رسیدگی پیش‌بینی کند. محرمانگی برخی اطلاعات، خطر تبانی یا احتمال از بین رفتن ادله ممکن است ضرورت‌های خاصی ایجاد کند. اما وجود ضرورت خاص، به معنای اختیار نامحدود نیست. اصل اساسی آن است که هر محدودیتی باید: قانونی، ضروری، متناسب و قابل نظارت قضایی باشد.

این اصل، حلقه اتصال میان بخش نخست مقاله و بحث اصلی آن است؛ زیرا وقتی متهم یک جرم امنیتی از ایثارگران باشد، باید مشخص شود که حمایت‌های خاص وی در این فرایند چگونه با محدودیت‌های امنیتی جمع می‌شود.

۴-۲. مصادیق حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی جهت تامین نیازهای فردی و افزایش یکپارچگی و انسجام اجتماعی است. جلوه‌های حقوق اجتماعی را می‌توان در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و علاوه بر آن در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، منشور آفریقایی حقوق بشر قاهره مشاهده کرد و این دسته از حقوق به عنوان حقوق پایه‌ای و بنیادی محسوب شده‌اند. حق بر آموزش، مسکن، اشتغال، بهداشت، تامین اجتماعی، تشکیل انجمن‌ها و سندیکاها جزئی از حقوق اجتماعی مندرج در نظام حقوقی ایران و هم‌چنین اسناد بین‌المللی است. بعد از بررسی حقوق اجتماعی ایثارگران در قانون برنامه ششم توسعه و لایحه هفتم توسعه به تعریف مصادیقی از حقوق شهروندی پرداخته خواهد شد.

۴-۳. حقوق اجتماعی ایثارگران در قانون برنامه ششم توسعه و بررسی آن در لایحه برنامه هفتم توسعه

احکام حوزه ایثارگری در قانون برنامه ششم توسعه دارای یک بخش مجزا با عنوان «امور ایثارگران» که ماده ۸۶ تا ۹۱ آن قانون را به خود اختصاص داده است. این احکام در پنج حوزه اصلی طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: «ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، بیمه و درمان، معیشت و اشتغال، آموزشی و رفاهی و مسکن».

نکته‌ای که قابل ذکر است در لایحه احکام قانون برنامه هفتم توسعه هیچ بخشی به طور مجزا به حوزه ایثارگری اختصاص نیافته است به این معنا که احکام به شکل پراکنده در ذیل فصل ششم «تامین اجتماعی، سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه درآمد» و فصل پانزدهم «ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه» درج شده‌اند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود احکام درج شده در قانون برنامه ششم توسعه و لایحه قانون هفتم توسعه که نسبت به برنامه ششم به صورت کلی مصادیق آن را آورده است همان مصادیق حقوق اجتماعی‌ای است که در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی آورده شده‌اند و مضافاً اینکه احکام حوزه ایثارگران با توجه به شرایط خاص آنان جزئیات خاص‌تری دارد. در ذیل به تعریف مختصری از مصادیق حقوق اجتماعی که جزء حقوق شهروندی ایثارگران هم محسوب می‌شود پرداخته می‌شود.

۴-۱-۳ حق بر آموزش

حق بر آموزش شامل جنبه‌های گوناگون آزادی‌های آموزشی و علمی، بخش مهمی از حقوق بشر معاصر شکل داده است که در اسناد متعدد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی از مهمترین اسنادی است که به حق آموزش تاکید دارد و این حق هم اکنون یک حق بشری است که باید بدون هرگونه تبعیض و در راستای کرامت انسانی برای همه افراد فراهم گردد و دولت مکلف است با بهره‌گیری از همه منابع در دسترس، زمینه را برای بهره‌مندی همه شهروندان از آموزش فراهم کند.^۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۲-۳ حق بر مسکن

در نظام حقوق داخلی نیز حق مسکن آن گونه که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته است؛ یکی از اصول قانون اساسی که دولت را موظف به انجام کارهایی برای تامین آسایش عمومی مردم کرده است اصل سه قانون اساسی می باشد که بیان کرده «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن ها که نیازمندتر هستند بخصوص روستا نشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.» دولت یازدهم در نسخه پیشنویس منشور حقوق شهروندی نیز عین همان اصل سوم را آورده و در خصوص حق مسکن بیان داشته است: «شهروندان حق دارند از مسکنی متناسب با نیاز خود و خانواده شان بهره مند گردند. داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است با رعایت اوایت برای آن ها که نیازمندترند به خصوص روستا نشینان، کارگران، کارمندان، زمینه تحقق این حق را فراهم کند.»

۳-۳ حق بر اشتغال

در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تاکید شده است: «هرکس حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.» حق کار کردن در شرایط عادلانه و مناسب در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد حمایت قرار گرفته و تضمین شده است. همچنین به موجب ماده ۶ میثاق، کشورها متعهد شده اند به منظور تامین اعمال کامل این حق اقداماتی شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه ای و طرح برنامه ها و خط مشی ها و تدابیر فنی که از لوازم توسعه مداوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادی های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ کند به عمل آورد.^۲

۴-۳ حق بر بهداشت

بهداشت به منزله حقی از حقوق بشر در اسناد بین المللی و حقوق داخلی شناسایی و تضمین شده است. در تعداد قابل ملاحظه ای از میثاق ها، بهداشت به منزله حقی از حقوق بشر در اسناد ملی و بین المللی شناسایی و تضمین شده است. تعداد قابل ملاحظه ای از قوانین اساسی کشورها نیز، با بیان خاص خود بهداشت را به منزله حقی از حقوق بشر تنظیم کرده اند. این مقررات مسئولیتی برای دولت ها قائل هستند که به موجب آن بهداشت را به عنوان یک حق فردی در نظر آورند و تکالیف معینی را برای دولت به وجود آورند.

۴-۴ مصادیق حقوق اجتماعی در قانون مجازات اسلامی

در بررسی محرومیت از حقوق اجتماعی در قانون مجازات اسلامی در ایران این مساله به عنوان یکی از مجازات ها مطرح شده است. در قانون مجازات اسلامی نحوه تدوین و اعمال این مجازات به صورت مستقل، تبعی، تکمیلی و اقدامات تامینی و تربیتی در نظر گرفته شده است. نحوه اعمال این مجازات به صورت مستقل و تبعی به علت ایجاد محدودیت های شغلی، علاوه بر اینکه بحث بازگشت مجرم را تحت تاثیر قرار می دهد و اثرات منفی بر خانواده وی را نیز به همراه خواهد داشت؛ زیرا هیچ گونه تناسبی بین جرم و کیفر وجود ندارد یعنی مخالف با اصول تساوی و قانونی بودن جرایم و مجازات ها می باشد.

۴-۱ محرومیت

^۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

^۲ عاطفه رضوی، مفهوم حقوق اجتماعی در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی،

محرومیت از مباحث مهم رفاه و سیاست اجتماعی است که از نظر لغوی به معنی محروم شدن و بی بهره گی است. محرومیت زمانی اتفاق می افتد که افراد جامعه از برابری به معنای دسترسی به فرصت ها، حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی محروم باشند. به عبارتی شاخص های مهم محرومیت، عدم دسترسی به فرصت ها، عدم برخورداری از حقوق مدنی، عدم دسترسی به اشتغال و آموزش پرورش و عدم مشارکت فعال خواهد بود. آنچه که طی بررسی قوانین جزائی ایران در مورد مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی به دست می آید افزایش سلب حقوق اشخاص طی مدتی که در قانون تعیین شده است. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بدون تعریف حقوق اجتماعی، در ماده ۱۵ محرومیت را مستلزم عواقبی از جمله محرومیت از استخدام دولتی و استعمال نشان های دولتی، محرومیت از حق انتخاب کردن و منتخب شدن خواه در مجالس مقننه و خواه در موسسه و انجمن های اجتماعی از قبیل انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و غیره و محرومیت از عضویت در هیات منصفه و شغل مدیری و معلمی در مدارس و روزنامه نویسی و مصدقی و حکم و یا شاهد تحقیق شدن دانسته است.

قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ تعریفی از حقوق اجتماعی ارائه ننموده است و تنها تبصره ۲ ذیل ماده ۱۵ این قانون محرومیت از حقوق اجتماعی را در نه بند احصا نموده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز تعریفی از حقوق اجتماعی نشده بود. لیکن مقنن بعد از مدتی اقدام به تصویب و الحاق ماده ۶۲ مکرر در مورخه ۱۳۷۷/۰۲/۲۷ نموده و حقوق اجتماعی را در ذیل تبصره یک ماده ۶۲ مکرر تعریف و مصادیق آن را در هشت مورد بیان نموده است.

تبصره یک: « حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر اتباع مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد. از قبیل:

حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی، خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به سمت ریاست جمهوری .
 بندهای دیگری هم در تبصره مقرر و تعریف شده است که در اینجا جهت جلوگیری از اطاله مطلب از ذکر آن موارد خودداری می شود. توضیح اینکه مقنن پس از تعریف نسبتاً یکسان از حقوق اجتماعی با اضافه نمودن کلمه "منحصراً" سلب حقوق اجتماعی را تنها در صورت وجود قانون با رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها و نیز یا در صورت صدور حکم از دادگاه صالح مجاز دانسته است. حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت ایران منظور نموده است و سلب آن منحصراً به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد. موارد محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع تبصره این ماده عبارتند از: الف: حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری.

ب: عضویت در کلیه انجمن ها و شوراها و جمعیت هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند.

ج: عضویت در هیات های منصفه و امنا

د: اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری

ه: استخدام در وزارتخانه ها، سازمان های دولتی، شرکت ها، موسسات وابسته به دولت، شهرداری ها، موسسات مأمور به خدمات

عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی

و: وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری

ز: انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی

ح: استفاده از نشان و مدال های دولتی و عناوین افتخاری.

نکته ای که قابل ذکر می باشد این است که تصویب لایحه قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ در حالی صورت پذیرفت که با وجود تغییرات عمده در مواد آن، تعریف حقوق اجتماعی از متن این قانون حذف و تنها در ماده ۲۶ به ذکر مصادیق دوازده گانه حقوق اجتماعی بسنده کرده است .

۴-۲ مفهوم محرومیت های موثر کیفری

محکومیت کیفری با طی مراحل قانونی و ضرورت استحقاق و احراز شرایط قانونی منجر به اعمال واکنش‌های اجتماعی می‌شود. این واکنش‌ها چه به شکل سرکوبگر مجازات‌ها و چه به صورت تأمینی و اصلاحگر به عنوان اولین پیامد محکومیت محسوب می‌گردند. پیامد عملی و اثر ابتدایی محکومیت کیفری، اعمال و اجرای واکنش‌های سرکوبگر یا مجازات‌ها با خصیصه تنبیهی و ارباب آمیز است. پاسخ اجتماع به مجرم به واسطه ایراد ضرر و زیان به اعضای جامعه، تنها سرکوبگر و اعمال روش‌های شدید کیفری نیست.

۳-۴ گستره تاثیر محکومیت‌های موثر

محکومیت موثر سبب تاثیر در آینده مناسبات اجتماعی شخص و جهت گیری‌های قضایی پیرامون وی می‌شود. تمامی محکومیت‌های موثر کیفری سبب ایجاد پیامدی به نام سابقه محکومیت می‌شوند. بدین سان، سابقه محکومیت کیفری وضعیتی است که جرم ارتكابی و محکومیت، آن را ایجاد کرده و محکوم را از برخی امتیازات و بهره‌مندی‌ها که قانونگذار برای اشخاص و بزهکاران بدون سابقه در نظر گرفته شده است، همچون تعلیق اجرای مجازات‌ها و آزادی مشروط و ... محروم کرده و یا موجب لغو آن‌ها در صورت ارتكاب جرم جدید می‌شود. همچنین وی را در معرض تشدید مجازات در صورت تکرار جرم و یا محرومیت از حقوق اجتماعی قرار می‌دهد.

۴-۴ تاثیر محکومیت کیفری در محرومیت از حقوق اجتماعی

محرومیت از حقوق اجتماعی به سه شکل مجازات اصلی، تکمیلی و تبعی در قوانین و مقررات نمود پیدا کرده است. محرومیت از حقوق اجتماعی اصلی این است که این نوع مجازات باید متناسب با جرم ارتكابی و موثر در وضعیت مجرم باشد. تا سال ۱۳۷۷ در قانون راجع به مجازات اسلامی وضعیت کیفرهای تبعی و محکومیت‌های مربوط به سکوت برگزار شده بود. لیکن در سال ۱۳۷۷ ماده ۶۲ مکرر که متضمن شناخت کیفرهای محروم کننده از حقوق و محکومیت‌های دربرگیرنده این نوع از مجازات‌هاست وارد قانون مجازات اسلامی گردید. با تصویب این ماده موضوع مجازات‌های تبعی که پیش از این در ماده ۱۵ و تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ مطرح شده بود، بار دیگر در قانون مجازات اسلامی مطرح شد. بنابراین استناد به مواد قبل خصوصاً ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی به طور کامل از میان رفت.

نکته مهمی که در این ماده مورد توجه قرار گرفته است محدودیت کیفرهای محروم کننده از حقوق است. با توجه و تأمل در محتوای ماده ۶۲ مکرر در می‌یابیم که در راستای کاستن از آثار نامطلوب محرومیت از حقوق اجتماعی، موارد بسیاری از جرایم حدی و تعزیری از شمول این ماده خارج شده است.

موارد مندرج در بندهای الف تا ج این ماده جنبه حصری نداشته و شامل تمامی محرومیت‌های از حقوق اجتماعی، حتی مواردی که در قوانین خاص و متفرقه بدان اشاره شده است، می‌شود. نکته مهمی که در این بخش باید بدان پرداخت عدم شمول مفاد صدر ماده به دیگر پیامدهای محکومیت کیفری چون: منع از تعلیق، منع از آزادی مشروط و ایجاد الزامات و دستورات قانونی پیرامون محکومیت است. مهلت‌های مقرر برای رفع اثر از محکومیت‌ها، اختصاص به پیامد اخیر محکومیت یعنی محرومیت از حقوق اجتماعی داشته و ارتباطی با قانونگذار در وضع و تصویب این ماده و بیان رفع اثر از دیگر سوابق محکومیت ندارد. محرومیت از حقوق اجتماعی دو هدف عمده را مدنظر دارد: ممنوعیت و محرومیت شخص خطرناک از احراز سمت‌ها و بهره‌مندی از حقوق و مزایای اجتماعی و مصون نگه داشتن سمت‌ها و مشاغل از افراد و اشخاصی که یک بار حالت خطرناک و جامعه‌ستیزی خود را به جامعه نشان داده‌اند. جامعه از سپردن امور مرتبط با عملکرد مجرمانه شخص و نقض اعمالی که جامعه نسبت بدان حساس است خودداری می‌کند.

۴-۵ مجازات تبعی

در قانون مجازات اسلامی، مجازات تبعی در جرایم عمدی و در صورت محکومیت قطعی کیفری و پس از اجرای حکم قابل اجرا می‌داند. محور اصلی مجازات تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی است و مدت زمان این محرومیت بر اساس نوع جرم متفاوت خواهد بود و بیشترین مدت محرومیت از حقوق اجتماعی هفت سال در محکومیت‌های مربوط به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد تعیین شده است و کمترین آن دو سال در محکومیت به شلاق حدی و قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن و حبس درجه پنج باشد.

در قانون مجازات اسلامی قانونگذار پس از حذف مجازات‌های بازدارنده کلیه جرایم به غیر از حد، قصاص و دیه را مشمول مجازات‌های تعزیری قلمداد نموده است و به همین دلیل در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعزیر را چنین تعریف نموده است: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص و دیه نبوده و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد...». با توجه به اینکه یکی از مصادیق عمده مجازات تبعی در قالب محرومیت از حقوق اجتماعی است این امر باعث شده که عده‌ای در تعریف مجازات تبعی مطرح کنند که بعضی مجازات‌ها به صورت محرومیت از حقوق اجتماعی اعمال می‌شود. در نقد این تعریف باید گفت که محرومیت از حقوق اجتماعی لزوماً به معنای مجازات تبعی نیست و بین این دو مفهوم رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد و محرومیت از حقوق اجتماعی ممکن است در قالب مجازات اصلی و تکمیلی نیز صورت گیرد.

۴-۶ مفهوم شناسی امنیت و جرایم امنیتی

مفهوم امنیت با توجه به گستردگی آن، دشوار است. دانش‌های مختلف همانند جامعه‌شناسی و علوم سیاسی هرکدام از دیدگاه خود به مطالعه و بررسی این مفهوم پرداخته‌اند و در این مسیر رویکرد و دیدگاه یکسانی وجود ندارد. حقوق کیفری نیز مصون از این تشت آراء نیست و امنیت در این زمینه شاخه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد: مفهوم امنیت انسانی که مفهومی متفاوت از امنیت نظامی است به صورت سنتی تعریف شده و بیشتر تمرکز آن بر مسائل سیاسی است. امنیت تجاری که مربوط به تضمین‌هایی است که طرفین به همدیگر می‌دهند تا تجارت صورت گیرد و در صورت تخلف ضمانت اجرای خاصی دارد.

امنیت و جرائم امنیتی از لحاظ مفهوم دارای معانی بسیاری هستند. همین اختلاف دیدگاه‌ها سبب شده در مورد ارائه تعریف یکسان درباره مفهوم فوق مشکل ایجاد شود ولی جلوگیری از آسیب و ترس ناشی از عوامل مختلف درون و برون سیستمی شالوده اصلی مفهوم امنیت را تشکیل می‌دهد. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در صلاحیت دادگاه انقلاب به عنوان مرجع اختصاصی رسیدگی به این گونه جرائم می‌باشد. ماده ۹۱ قانون برنامه ششم توسعه که ثر لایحه قانونی برنامه هفتم توسعه تنفیذ گردیده است صراحتاً مقرر داشته که در صورت ارتکاب جرائم امنیتی توسط خانواده‌ای شهدا و جانبازان و ایثارگران و رزمندگان و آزادگان و خانواده‌های آنان موجب محرومیت آنان از حقوق مقرر در بخش مربوطه می‌شود که در زیر به بررسی این ماده و حقوق اختصاص یافته به جامعه ایثارگری پرداخته می‌شود.

۴-۷ بررسی ماده ۹۱ از احکام حوزه ایثارگری در برنامه ششم توسعه و تنفیذ آن در لایحه قانونی برنامه هفتم توسعه

ماده ۹۱ از احکام حوزه ایثارگری مقرر می‌دارد: «محکومیت موثر کیفری در جرائم امنیتی موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ موجب محرومیت از امتیازهای مقرر در این بخش می‌شود.»

در این بخش به بررسی این مساله خواهیم پرداخت که منظور از حقوق مقرر در این بخش آیا تمامی موارد مندرج در ماده ۸۸ تا ۹۰ را شامل می‌شود یا برخی از حقوق مندرج در آن؟

برای روشن شدن موضوع باید احکام حوزه ایثارگران در قانون برنامه ششم توسعه که مواد ۸۶ تا ۹۱ را به خود اختصاص داده و این احکام در لایحه قانونی برنامه هفتم توسعه هم تایید و تنفیذ گردیده است به اجمال شرح و توضیح داده شود.

ماده ۸۶ که شامل ۹ بند می باشد، در بند الف در خصوص ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، دستگاه‌های اجرایی را نسبت به اجرای سیاست‌های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران موظف و مکلف به انجام اقدامات لازم نموده است. در بند ب ماده مذکور عنوان شده است که وزارت آموزش و پرورش به منظور ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در خصوص معرفی الگوها و قهرمانان ملی ایثار و شهادت در متون درسی کلیه پایه‌های تحصیلی و فعالیت‌های پژوهشی و برگزاری مسابقات علمی اقدامات لازم را باید انجام دهند.

در بند پ صدای و سیمای جمهوری اسلامی موظف شده اند بخشی از برنامه‌های شبکه‌های مختلف را به موضوع ترویج فرهنگ ایثار و شهادت اختصاص دهند.

بند خ مقرر می دارد: «وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد کل نیروهای مسلح به منظور تعمیق و ترویج ارزش‌های دفاع مقدس به نسل‌های بعدی، واحدهای درسی مرتبط با ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در مقاطع مختلف دانشگاهی را ایجاد نموده و تعدادی از موضوعات پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های (پروژه‌های) علمی و تحقیقاتی خود را به موضوع فرهنگ ایثار و شهادت اختصاص دهند.»

ماده ۸۷ قانون فوق‌الذکر مقرر می دارد: «دولت موظف است اقدامات لازم برای اجرای صحیح و به موقع قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران را به عمل آورد و اعتبار کافی را در بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید و کلیه آیین‌نامه‌های اجرائی آن را حداکثر تا شش ماهه اول سال اجرای قانون برنامه، تصویب و ابلاغ نماید.»

این ماده شامل بندهایی در خصوص اختصاص دادن اعتبارات مالی و اعطای تابعیت به رزمندگان دارای تابعیت کشورهای دیگر و مواردی از این قبیل می باشد که جهت اجل‌گیری از اطلاع مطلب از ذکر آن‌ها خودداری می شود.

ماده ۸۸ قانون مقرر می دارد: «دولت موظف است کلیه مطالبات معوق خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران، جانبازان و آزادگان اعم از پاداش پایان خدمت و وجوه مربوط به ذخیره مرخصی استفاده نشده و کلیه مطالبات قانونی آنان را به طور کامل حداکثر در دو سال اول اجرای قانون برنامه مطابق بودجه سنواتی تأمین و توسط بنیاد پرداخت نماید. به نحوی که در پایان سال دوم اجرای قانون برنامه هیچ گونه مطالبات معوقی در حوزه ایثارگران و خانواده شهدا باقی نمانده باشد.

ماده فوق‌الذکر در خصوص مطالبات جانبازان و ایثارگران شاغل و همچنین در خصوص تأمین حداقل معیشت جانبازان و آزادگان و افراد تحت تکفل آنان که فاقد شغل و درآمد باشند نیز دستورالعمل‌هایی به دولت مقرر کرده است که از ذکر جزئیات آن جهت پرهیز از اطاله کلام در اینجا خودداری می شود.

ماده ۸۹ قانون برنامه ششم توسعه در خصوص ارائه تسهیلات مسکن با نرخ سود حداکثر ۴٪ به تعداد پنجاه نفر از رزمندگان دارای حداقل شش ماه سابقه حضور در جبهه و آزادگان با حداقل سه ماه سابقه اسارت که فاقد مسکن می باشند بانک مرکزی را موظف به انجام اقدامات خاص در طول اجرای قانون برنامه، نموده است.

در بند پ همین ماده کلیه دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی و مراکز علمی که از وزارت خانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اخذ مجوز نموده اند و هم چنین دانشگاه آزاد اسلامی موظف شده اند که حداقل ۲۰٪ از اعضای هیأت علمی خود را از بین جامعه ایثارگران شامل فرزندان و همسران شهدا، جانبازان، آزادگان و همسران و فرزندان آنان و همچنین رزمندگان با شرایط خاص مقرر در قانون فوق‌الذکر و با درصد جانبازی خاص جذب نمایند. بنابراین حقوقی از قبیل:

الف) اختصاص حداقل ده درصد منابع قرض الحسنه تمامی بانک‌ها و موسسات پولی و اعتباری دولتی در چهارچوب بودجه سنواتی جهت اشتغال ایثارگران از طریق صندوق اشتغال و کارآفرینی ایثارگران

ب) شرایط پرداخت تسهیلات مسکن ارزاقیمت به ایثارگران، تسهیلات خرید خودرو، حق پرستاری، کاهش ساعت کاری و تبدیل وضعیت خدمت

ج) اختصاص سی درصد از سهمیه صدور دفاتر خدمات قضایی و الکترونیک، سردفتری، صدور پروانه وکالت، مجوز کارشناسی رسمی دادگستری به فرزندان و همسران شهدا، جانبازان با حداقل ده درصد، آزادگان با داشتن حداقل سه ماه سابقه اسارت و رزمندگان با داشتن حداقل شش ماه سابقه حضور در جبهه و همسران آزادگان و فرزندان رزمندگان دارای حداقل دوازده ماه سابقه حضور در جبهه بدون رعایت شرط سنی در صورت واجد شرایط بودن

د) بهره‌مندی رایگان از خدمات مراکز فرهنگی عمومی و ناوگان حمل و نقل شهری

ه) تأمین و پرداخت یا معافیت حداقل سی درصد هزینه شهری تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی، دوره‌های شبانه دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه پیام نور و سایر دانشگاه‌های مورد تأیید وزارت علوم.

و سایر حقوقی که در قانون برنامه ششم توسعه و در لایحه قانونی برنامه هفتم توسعه که به خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران و جانبازان و رزمندگان و خانواده‌های محترم آنان می‌باشد.

۶. حقوق شهروندی ایثارگران در مرحله محاکمه

۶-۱. حق برخورداری از دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه مجموعه‌ای از تضمین‌هاست که به متهم امکان می‌دهد در یک فرایند قانونی، بی‌طرفانه و منصفانه از خود دفاع کند. ایثارگر متهم به جرم امنیتی نیز از این حق برخوردار است و حساسیت جرم نمی‌تواند اصل دادرسی عادلانه را منتفی سازد. مطابق اصل قانونی بودن، هیچ شخصی را نمی‌توان به دلیل رفتاری که پیش از آن جرم‌انگاری نشده است، مجازات کرد. این اصل از مهم‌ترین تضمین‌های شهروندی است؛ زیرا مانع اعمال سلیقه‌ای قدرت کیفری می‌شود.

در مورد ایثارگران، این اصل اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا نمی‌توان صرفاً با استناد به وضعیت خاص آنان، مجازات یا محدودیتی را اعمال کرد که مبنای قانونی ندارد. دفاع مؤثر تنها به حضور صوری وکیل محدود نیست، بلکه باید امکان واقعی برای ارائه دفاع، بررسی ادله و اعتراض به تصمیم‌های قضایی وجود داشته باشد. در پرونده‌های امنیتی، پیچیدگی موضوعات و ادله ممکن است اهمیت دفاع مؤثر را افزایش دهد.

۶-۲. منع رفتار تبعیض‌آمیز در فرایند رسیدگی

ایثارگر نباید صرفاً به دلیل عنوان اجتماعی خود با رفتار تبعیض‌آمیز مواجه شود؛ همان‌گونه که عنوان ایثارگری نیز نباید موجب امتیاز خارج از حدود قانون گردد. ملاک باید قانون و وضعیت واقعی پرونده باشد.

۶-۳. آثار محکومیت کیفری بر حقوق و امتیازات ایثارگری

یکی از پیچیده‌ترین مباحث موضوع، تأثیر محکومیت کیفری بر حمایت‌های ایثارگری است. در این زمینه باید میان دو دسته حقوق تفاوت گذاشت:

حقوقی که صرفاً به دلیل وضعیت ایثارگری ایجاد شده‌اند و حقوقی که قانون، استمرار آنها را به شرایط خاصی وابسته کرده است. در دسته نخست، زوال حمایت نیازمند مبنای قانونی روشن است؛ اما در دسته دوم، ممکن است تحقق شرایط قانونی موجب محدودیت یا سلب حق شود. محکومیت کیفری ممکن است در موارد مقرر قانونی آثار تبعی یا تکمیلی داشته باشد. با این حال، نمی‌توان هر نوع محرومیتی را به عنوان اثر طبیعی محکومیت تلقی کرد.

اصل قانونی بودن ایجاب می‌کند که هر محدودیت مهم در حقوق فرد دارای مستند قانونی باشد.

۶-۴. حدود سلب یا تعلیق حمایت‌های قانونی

سلب حمایت‌های ایثارگری باید استثنایی و مبتنی بر قانون باشد. نمی‌توان با تفسیر موسع، دامنه آثار محکومیت را گسترش داد.

در نتیجه، صرف محکومیت به جرم امنیتی نباید به صورت خودکار به معنای سلب تمام حمایت‌های قانونی باشد؛ بلکه باید نوع جرم، نوع محکومیت و حکم قانونی مربوط بررسی شود. تناسب یکی از اصول مهم حقوق عمومی و کیفری است. میان جرم ارتكابی و پیامدهای حقوقی آن باید رابطه منطقی وجود داشته باشد. بنابراین، اگر جرم امنیتی ارتكابی ارتباطی با یکی از امتیازات ایثارگری نداشته باشد، سلب مطلق تمامی حمایت‌ها می‌تواند با اصل تناسب و هدف جبرانی حمایت‌های ایثارگری ناسازگار باشد.

۷- تعارض حمایت‌های خاص ایثارگران با الزامات مقابله با جرائم امنیتی

تعارض اصلی در این حوزه میان دو رویکرد شکل می‌گیرد: رویکرد نخست بر حمایت از ایثارگر تأکید دارد و رویکرد دوم بر ضرورت اعمال اقتدار کیفری برای حفاظت از امنیت عمومی. حل این تعارض مستلزم تفکیک میان شخص ایثارگر و رفتار مجرمانه وی است.

۷-۱. اصل برابری در برابر قانون

ایثارگری نمی‌تواند اصل برابری در برابر قانون را از بین ببرد. فرد ایثارگر همانند سایر شهروندان در برابر رفتار مجرمانه مسئول است. البته برابری به معنای نادیده گرفتن حمایت‌های قانونی نیست؛ بلکه حمایت باید دقیقاً در حدودی اعمال شود که قانون مقرر کرده است.

۷-۲. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری بر رفتار شخص و شرایط انتساب جرم به او مبتنی است. بنابراین، عنوان اجتماعی، خانوادگی یا ایثارگری فرد نمی‌تواند جایگزین بررسی عناصر جرم شود.

۷-۳. تمایز حمایت قانونی از مصونیت کیفری

حمایت قانونی یعنی قانون برای فرد شرایط یا امتیازات خاصی ایجاد کرده است؛ اما مصونیت کیفری یعنی فرد در برابر تعقیب یا مجازات قرار نگیرد. اصل بر این است که حمایت ایثارگری، تا زمانی که قانون صراحتاً مقرر نکرده باشد، مصونیت کیفری ایجاد نمی‌کند. حمایت افتراقی زمانی مشروع است که بر اساس یک وضعیت واقعی و هدف مشروع ایجاد شده باشد. حمایت از ایثارگران به دلیل نقش و وضعیت خاص آنان دارای مبنای قابل دفاع است؛ اما این حمایت نباید به حدی توسعه پیدا کند که اجرای قانون کیفری را مختل کند.

عنوان ایثارگری اصولاً تأثیری بر اصل تحقق مسئولیت کیفری ندارد. اگر عناصر جرم اثبات شود، ایثارگر نیز همانند سایر اشخاص مسئول خواهد بود. آنچه ممکن است متفاوت باشد، آثار حقوقی پس از تحقق مسئولیت است، نه اصل مسئولیت.

حمایت‌های خاص ایثارگران را نمی‌توان صرفاً امتیاز شخصی تلقی کرد. بسیاری از این حمایت‌ها در واقع ابزار اجرای سیاست جبرانی دولت هستند. با این حال، این حمایت‌ها باید دارای حدود مشخص باشند. حمایت نامحدود ممکن است با اصل برابری تعارض پیدا کند و حتی موجب شکل‌گیری نوعی امتیاز ناروا شود. بنابراین، معیار مشروعیت حمایت خاص را باید در سه عنصر جست‌وجو کرد:

مبنای قانونی + هدف مشروع + تناسب حمایت با وضعیت خاص فرد.

اگر این سه عنصر وجود داشته باشد، حمایت خاص را می‌توان نوعی تبعیض مثبت و مشروع دانست؛ اما اگر حمایت بدون مبنای قانونی و صرفاً بر اساس برداشت‌های شخصی توسعه پیدا کند، با اصل حاکمیت قانون ناسازگار خواهد بود.

۸- جایگاه حقوق شهروندی ایثارگران در فرایند کیفری

مرحله تحقیقات مقدماتی یکی از حساس‌ترین مراحل فرایند کیفری است؛ زیرا بسیاری از تصمیم‌هایی که در این مرحله اتخاذ می‌شوند، بر وضعیت آزادی و حقوق متهم تأثیر مستقیم دارند.

ایثارگر در این مرحله پیش از هر چیز متهم است و باید از تضمین‌های عمومی مربوط به متهمان برخوردار باشد. عنوان ایثارگری نه موجب سلب حقوق وی می‌شود و نه به خودی خود مانع انجام تحقیقات قانونی است.

۸-۱. اصل برائت و فرض بی‌گناهی ایثارگر

اصل برائت ایجاب می‌کند که هیچ فردی صرفاً بر اساس اتهام، مجرم تلقی نشود. این اصل در جرائم امنیتی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا حساسیت اجتماعی این جرائم ممکن است فشار بیشتری بر فرد ایجاد کند. ایثارگر متهم نیز تا زمان صدور حکم قطعی، از اصل برائت برخوردار است و نباید حمایت‌های قانونی وی صرفاً به دلیل طرح اتهام، به صورت خودکار زایل شود.

۸-۲. حق برخورداری از کرامت انسانی

کرامت انسانی یکی از اصول بنیادین حقوق شهروندی است. متهم، حتی در صورت ارتکاب جرم، نباید موضوع رفتار تحقیرآمیز یا غیرانسانی قرار گیرد. این اصل در مورد ایثارگران از اهمیت مضاعف برخوردار است؛ زیرا رعایت

۸-۳. مبانی حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران دارای مبانی متعددی است که مهم‌ترین آنها را می‌توان در قانون اساسی، قوانین عادی و تعهدات بین‌المللی ایران جست‌وجو کرد. قانون اساسی با شناسایی حقوق ملت، مجموعه‌ای از اصول را به تضمین آزادی‌ها، کرامت انسانی، امنیت قضایی و حقوق دفاعی اشخاص اختصاص داده است. اصل ۱۹ قانون اساسی بر برابری حقوق مردم تأکید دارد و اصل ۲۰ نیز برخورداری افراد از حمایت قانونی را مورد شناسایی قرار داده است. همچنین اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷ و ۳۸، هر یک بخشی از تضمین‌های اساسی حقوق شهروندی را در برابر قدرت عمومی مقرر کرده‌اند.

اهمیت این اصول در حوزه کیفری از آن جهت است که رابطه میان فرد و حاکمیت در این حوزه، رابطه‌ای نابرابر است. نهادهای عمومی از امکانات گسترده‌ای برای کشف جرم و تعقیب افراد برخوردارند؛ بنابراین، قانون باید با ایجاد تضمین‌های متقابل، از سوءاستفاده از قدرت جلوگیری کند. اصل برائت نمونه بارز چنین تضمینی است. فرد تا زمانی که جرم او مطابق قانون و در دادگاه صالح اثبات نشده است، مجرم تلقی نمی‌شود. این اصل در مورد جرائم امنیتی نیز باید رعایت شود و صرف حساسیت موضوع اتهام، نمی‌تواند جایگزین اثبات جرم شود. در کنار قانون اساسی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز بر رعایت حقوق اشخاص در فرایند دادرسی تأکید دارد. قانون آیین دادرسی کیفری نیز با پیش‌بینی حقوق متهم، حق دفاع، حق داشتن وکیل و ضرورت رعایت تشریفات قانونی، مجموعه دیگری از تضمین‌های حقوق شهروندی را ایجاد کرده است (آشوری، ۱۳۹۹: ۴۲). از این منظر، مبانی حقوق شهروندی را باید در کرامت انسانی، حاکمیت قانون، برابری، آزادی، امنیت قضایی و حق دفاع جست‌وجو کرد. این مبانی در بررسی وضعیت ایثارگران اهمیت دوچندان دارند؛ زیرا حمایت خاص از ایثارگر زمانی مشروع است که در کنار این اصول قرار گیرد، نه در تقابل با آنها.

۸-۴. حقوق شهروندی در فرایند کیفری

فرایند کیفری از لحظه کشف جرم تا اجرای حکم، عرصه‌ای است که بیشترین امکان مداخله دولت در حقوق و آزادی‌های فردی را فراهم می‌کند. بنابراین، حقوق شهروندی در این مرحله صرفاً یک مفهوم نظری نیست، بلکه باید به صورت مجموعه‌ای از تضمین‌های عملی در تمام مراحل رسیدگی کیفری مورد توجه قرار گیرد. در مرحله کشف جرم، رعایت حرمت اشخاص، منع اقدامات خودسرانه و ضرورت رعایت حدود قانونی اختیارات ضابطان اهمیت دارد. در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز حقوق متهم باید در کنار ضرورت کشف حقیقت مورد توجه قرار گیرد. متهم نباید صرفاً به عنوان موضوع تحقیق دیده شود، بلکه باید به عنوان صاحب حق در فرایند کیفری شناخته شود. در مرحله محاکمه نیز اصولی همچون بی‌طرفی مرجع رسیدگی، حق دفاع، حق دسترسی به وکیل، اصل برائت و حق اعتراض به تصمیم قضایی اهمیت اساسی دارند. در نهایت، در مرحله اجرای مجازات نیز کرامت انسانی محکوم نباید نادیده گرفته شود.

این مسئله در جرائم امنیتی حساس‌تر است؛ زیرا ضرورت حفظ امنیت ممکن است موجب گسترش برخی محدودیت‌ها شود. با این حال، محدودیت باید استثنایی، قانونی و متناسب باشد. همان‌گونه که امنیت عمومی یک ارزش اساسی است، دادرسی عادلانه نیز بخشی از امنیت حقوقی جامعه محسوب می‌شود. بنابراین، نمی‌توان امنیت را در مقابل عدالت قرار داد؛ بلکه امنیت پایدار بدون اعتماد به عدالت قضایی قابل تحقق نیست (خالقی، ۱۴۰۲: ۷۵)

۵-۸. اصل برابری و منع تبعیض در برخورداری از حقوق شهروندی

اصل برابری در برابر قانون از بنیادی‌ترین اصول حقوق شهروندی است. بر اساس این اصل، اشخاص در شرایط مشابه باید از حقوق و تکالیف مشابه برخوردار باشند و تفاوت‌گذاری میان آنها باید دارای مبنای قانونی و توجیه عقلانی باشد. با وجود این، برابری به معنای رفتار کاملاً یکسان با همه افراد نیست. گاه شرایط خاص یک گروه اجتماعی موجب می‌شود قانونگذار برای آن گروه حمایت بیشتری در نظر بگیرد. این نوع حمایت را می‌توان در قالب تبعیض مثبت یا حمایت افتراقی مشروع تحلیل کرد. حمایت‌های خاص از ایثارگران نیز از همین منظر قابل بررسی است. قانونگذار با توجه به وضعیت خاص این گروه، امتیازات و حمایت‌هایی را پیش‌بینی کرده است؛ اما این حمایت نباید به ایجاد مصونیت مطلق در برابر قانون کیفری منجر شود. بنابراین باید میان «برابری» و «یکسان‌سازی» تفاوت گذاشت. ممکن است رفتار متفاوت با دو فرد در شرایط متفاوت، در واقع عادلانه‌تر از رفتار یکسان باشد؛ اما این تفاوت باید مستند به قانون و متناسب با هدف حمایت باشد. در نتیجه، اگر ایثارگر مرتکب جرم امنیتی شود، صرف عنوان ایثارگری نباید وی را از مسئولیت کیفری معاف کند. در عین حال، نمی‌توان صرف ارتکاب جرم امنیتی را مستمسکی برای حذف تمام حقوق و حمایت‌های قانونی وی قرار داد؛ بلکه باید آثار جرم و محکومیت دقیقاً در حدود قانون مشخص شود.

۹- نتیجه‌گیری

بررسی حقوق شهروندی ایثارگران در صورت ارتکاب جرائم امنیتی نشان می‌دهد که موضوع حاضر در نقطه تلاقی سه ارزش مهم حقوقی قرار دارد: حمایت از ایثارگران، تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندی و صیانت از امنیت عمومی و ملی. هر یک از این ارزش‌ها در نظام حقوقی دارای جایگاه مستقل و قابل دفاع است و هیچ‌یک را نمی‌توان به صورت مطلق بر دیگری مقدم دانست. از یک سو، ایثارگران به دلیل نقش و فداکاری‌های خاص خود، از حمایت‌های قانونی ویژه‌ای برخوردارند و قانونگذار با رویکردی جبرانی، حمایتی و تکریمی، مجموعه‌ای از حقوق و امتیازات را برای آنان شناسایی کرده است. از سوی دیگر، عنوان ایثارگری نمی‌تواند به ایجاد مصونیت عام از مسئولیت کیفری منجر شود و فرد ایثارگر نیز مانند سایر شهروندان در برابر رفتار مجرمانه خود مسئول است. در مقابل، امنیت عمومی و امنیت ملی نیز از ارزش‌های بنیادین نظام حقوقی محسوب می‌شوند؛ اما ضرورت تأمین امنیت نباید به معنای نادیده گرفتن حقوق بنیادین متهم یا توسعه نامحدود اختیارات کیفری باشد.

یافته اصلی پژوهش آن است که میان حمایت قانونی از ایثارگر و مصونیت کیفری وی باید تفکیک اساسی صورت گیرد. حمایت‌های خاصی که قانونگذار برای ایثارگران در نظر گرفته است، اصولاً با هدف جبران، تکریم و حمایت اجتماعی ایجاد شده‌اند و نمی‌توان صرف وجود آنها را به معنای معافیت فرد از اجرای قوانین کیفری دانست. به بیان دیگر، ایثارگری وصفی است که می‌تواند منشأ حقوق و حمایت‌های خاص باشد، اما فی‌نفسه عنصر رافع مسئولیت کیفری محسوب نمی‌شود. چنانچه فرد ایثارگر مرتکب جرم امنیتی شود و عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم در خصوص وی احراز گردد، اصل مسئولیت کیفری او همچنان برقرار است؛ مگر آنکه قانونگذار صراحتاً حکم دیگری مقرر کرده باشد.

از سوی دیگر، تحقیق نشان می‌دهد که ارتکاب جرم امنیتی نیز نباید به صورت خودکار و بدون تصریح قانونی، موجب زوال تمام حقوق و حمایت‌های ناشی از ایثارگری شود. میان ارتکاب جرم، محکومیت کیفری و آثار حقوقی محکومیت باید تفکیک قائل شد. صرف انتساب جرم نمی‌تواند موجب سلب حمایت‌های قانونی شود؛ زیرا فرد تا زمان اثبات قطعی جرم، از اصل برائت برخوردار است. حتی پس از صدور حکم محکومیت نیز آثار آن باید در حدودی اعمال شود که قانون مشخص کرده است. بنابراین، نمی‌توان از صرف

محکومیت به یک جرم امنیتی، نتیجه گرفت که تمامی امتیازات، حقوق اجتماعی یا حمایت‌های قانونی فرد ایثارگر به صورت مطلق از بین می‌رود.

تحلیل حقوق شهروندی نیز نشان می‌دهد که حساسیت جرائم امنیتی نمی‌تواند اصول بنیادین دادرسی عادلانه را به طور کامل کنار بزند. ایثارگر متهم به جرم امنیتی، پیش از هر چیز یک شهروند و یک انسان برخوردار از کرامت است و باید از تضمین‌هایی مانند اصل برائت، حق دفاع، حق اطلاع از اتهام، حق برخورداری از وکیل در حدود قانون و رسیدگی توسط مرجع صالح و بی‌طرف برخوردار باشد. ضرورت‌های امنیتی ممکن است در شرایط خاص، محدودیت‌هایی را توجیه کند، اما این محدودیت‌ها باید دارای مبنای قانونی، هدف مشروع و تناسب با ضرورت مورد نظر باشند. بنابراین، امنیت نباید به مفهومی تبدیل شود که بتوان به استناد آن هرگونه محدودیت در حقوق شهروندی را توجیه کرد.

از منظر سیاست جنایی نیز می‌توان نتیجه گرفت که برخورد با ایثارگران مرتکب جرائم امنیتی نیازمند سیاستی افتراقی اما غیرمصونیت‌آور است. افتراقی بودن به این معناست که وضعیت خاص ایثارگری در مواردی که قانونگذار آن را مؤثر دانسته است، مورد توجه قرار گیرد؛ اما غیرمصونیت‌آور بودن به این معناست که این وضعیت نباید اصل پاسخ‌گویی کیفری فرد را از بین ببرد. بنابراین، سیاست جنایی مطلوب نه سیاست حمایت مطلق و نه سیاست سرکوب مطلق، بلکه سیاستی مبتنی بر تناسب، قانون‌مداری و تفکیک میان شخص و رفتار مجرمانه است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، ضرورت توجه به اصل تناسب در تعیین آثار محکومیت کیفری بر حقوق ایثارگران است. اگر قانونگذار یا مراجع ذی‌صلاح، بدون توجه به نوع جرم، شدت رفتار، میزان آسیب وارد شده به امنیت عمومی و ارتباط جرم با حقوق یا امتیاز مورد نظر، تمام حمایت‌های ایثارگر را از وی سلب کنند، چنین رویکردی می‌تواند با فلسفه حمایت‌های ایثارگری و اصول عدالت سازگار نباشد. برای مثال، میان حمایت‌های رفاهی و معیشتی خانواده ایثارگر و حقوقی که مستقیماً با صلاحیت یا وضعیت استخدامی شخص مرتبط است، تفاوت وجود دارد و آثار محکومیت کیفری بر این دو دسته نباید الزاماً یکسان تلقی شود.

در نهایت، می‌توان گفت تعارض میان حمایت‌های خاص ایثارگران و ضرورت مقابله با جرائم امنیتی، تعارضی واقعی اما قابل مدیریت است. راهکار حل این تعارض، ترجیح مطلق یکی از دو ارزش نیست، بلکه ایجاد سازوکاری است که از یک طرف، امنیت جامعه و اقتدار قانون کیفری را تضمین کند و از طرف دیگر، مانع تبدیل وضعیت ایثارگری به مبنایی برای تبعیض ناروا یا تبدیل ضرورت‌های امنیتی به ابزاری برای نقض حقوق شهروندی شود. بر این اساس، ایثارگر در برابر قانون کیفری مسئول است، اما در فرایند تعقیب و محاکمه همچنان صاحب حقوق شهروندی است و پس از محکومیت نیز تنها در حدود مقرر قانونی می‌توان حمایت‌های خاص وی را محدود کرد. در پاسخ نهایی به مسئله پژوهش می‌توان اظهار داشت که حمایت‌های خاص ایثارگران باید به عنوان حمایت‌های قانونی و اجتماعی تفسیر شوند، نه مصونیت‌های کیفری؛ و الزامات امنیتی نیز باید به عنوان ضرورت‌های محدودکننده اما قانونمند تلقی شوند، نه مجوزی برای حذف حقوق شهروندی. برقراری چنین تعادلی می‌تواند ضمن حفظ شأن و جایگاه ایثارگران، اصل برابری در برابر قانون، حاکمیت قانون و اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری را نیز تضمین کند.

۱۰-پیشنهادهات

۱. پیشنهاد تقنینی برای تعیین دقیق آثار محکومیت کیفری

پیشنهاد می‌شود قانونگذار آثار محکومیت کیفری ایثارگران را بر هر یک از حمایت‌ها و امتیازات قانونی به صورت صریح، تفکیک‌شده و شفاف‌مشخص کند تا از برداشت‌های متفاوت مراجع قضایی و اداری جلوگیری شود.

۲. تفکیک میان حمایت‌های ایثارگری و مصونیت کیفری

ضروری است در قوانین و مقررات مربوط به ایثارگران تصریح شود که برخورداری از حمایت‌های خاص، اصولاً به معنای مصونیت از مسئولیت کیفری نیست؛ مگر در مواردی که قانون به صراحت اثر خاصی را مقرر کرده باشد.

۳. جلوگیری از سلب خودکار تمام حمایت‌ها

پیشنهاد می‌شود صرف محکومیت ایثارگر به جرم امنیتی، موجب سلب خودکار و کلیه حمایت‌های قانونی نشود و هر نوع محرومیت تنها در صورت وجود حکم قانونی و با رعایت تناسب میان جرم و حمایت موردنظر اعمال گردد.

۴. تفکیک حمایت‌های معیشتی و رفاهی از امتیازات شخصی

در صورت محکومیت کیفری ایثارگر، حمایت‌هایی که با هدف تأمین معیشت و حمایت از خانواده وی ایجاد شده‌اند، از حقوق و امتیازاتی که صرفاً به وضعیت شغلی یا شخصی او مربوط می‌شوند، تفکیک شوند؛ زیرا آثار محکومیت کیفری بر این دو گروه از حقوق الزاماً یکسان نیست.

۵. تقویت تضمین‌های دادرسی عادلانه

در پرونده‌های امنیتی مرتبط با ایثارگران، رعایت اصل برائت، حق دفاع، حق دسترسی به وکیل، حق اطلاع از اتهام و سایر تضمین‌های دادرسی عادلانه مورد تأکید قرار گیرد و هرگونه محدودیت، صرفاً در حدود قانون اعمال شود.

۶. تفسیر مضیق مقررات محدودکننده حقوق ایثارگران

در موارد ابهام یا سکوت قانونی، مقرراتی که موجب سلب یا محدودیت حقوق و حمایت‌های ایثارگران می‌شوند، به صورت موسع تفسیر نشوند و از ایجاد محرومیت‌های فاقد مبنای صریح قانونی جلوگیری شود.

۷. توجه به اصل تناسب

در تعیین آثار محکومیت کیفری بر وضعیت ایثارگر، میان نوع جرم، شدت و اهمیت رفتار مجرمانه، میزان آسیب وارده به امنیت عمومی و نوع حمایت موردنظر تناسب برقرار شود.

۸. تدوین دستورالعمل واحد برای مراجع قضایی و اداری

پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از برداشت‌های متفاوت، دستورالعملی جامع درباره نحوه برخورد با حقوق و حمایت‌های ایثارگران در جریان پرونده‌های کیفری، به ویژه جرائم امنیتی، تدوین شود.

۹. تفکیک مرحله اتهام از مرحله محکومیت قطعی

تا پیش از صدور حکم قطعی، صرف اتهام نباید موجب سلب حمایت‌های قانونی ایثارگر شود؛ زیرا چنین رویکردی با اصل برائت و مبانی دادرسی عادلانه ناسازگار است.

۱۰. توجه به خانواده ایثارگر

در تعیین آثار محکومیت کیفری، وضعیت خانواده و وابستگی‌های ایثارگر نیز مورد توجه قرار گیرد؛ به ویژه در مواردی که سلب یک حمایت از شخص، آثار مستقیم و سنگینی بر زندگی اعضای خانواده وی ایجاد می‌کند.

۱۱. ایجاد رویه قضایی منسجم

با توجه به احتمال برداشت‌های متفاوت از رابطه میان قوانین ایثارگری و مقررات کیفری، ایجاد رویه قضایی منسجم و صدور آرای وحدت رویه در موارد اختلافی می‌تواند به افزایش امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات کمک کند.

۱۲. پیشنهاد نهایی

در نهایت، پیشنهاد می‌شود سیاست جنایی ایران در این حوزه بر مبنای «مسئولیت کیفری بدون تبعیض، حمایت اجتماعی بدون مصونیت و محدودیت امنیتی بدون نقض حقوق شهروندی» تنظیم شود. این سه‌گانه می‌تواند معیار مناسبی برای ایجاد تعادل میان جایگاه ویژه ایثارگران و ضرورت صیانت از امنیت عمومی باشد. چنین رویکردی ضمن احترام به فداکاری و جایگاه اجتماعی ایثارگران، مانع از آن می‌شود که حمایت‌های قانونی به مصونیتی فراتر از اراده قانونگذار تبدیل شوند و در عین حال، از آن نیز جلوگیری می‌کند که عنوان جرائم امنیتی به ابزاری برای نادیده گرفتن حقوق بنیادین و شهروندی افراد تبدیل شود.

۱. فهرست منابع

۲. آشوری، محمد. (۱۳۹۹). آیین دادرسی کیفری. تهران: سمت
۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی، جلد اول. تهران: میزان.
۴. اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی، جلد دوم. تهران: میزان.
۵. اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی، جلد سوم. تهران: میزان.
۶. آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۴۰۱). حقوق کیفری اختصاصی؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان.
۷. باقری، مهدی. (۱۳۹۸). حقوق شهروندی در نظام عدالت کیفری. تهران: میزان.
۸. بشیریه، حسین. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نی.
۹. پوریافرانی، حسن. (۱۳۹۹). حقوق جزای اختصاصی؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۱۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۴۰۰). حقوق کیفری عمومی. تهران: سمت.
۱۲. حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۹). حقوق شهروندی و دادرسی عادلانه. تهران: میزان.
۱۳. میزان‌زراعت، عباس. (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی. تهران: ققنوس.
۱۴. صادقی، محمدهادی. (۱۴۰۰). حقوق جزای اختصاصی؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان.
۱۵. صفاری، علی. (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی. تهران: جنگل.
۱۶. طاهری، حبیب‌الله. (۱۳۹۸). حقوق شهروندی و تضمین‌های دادرسی کیفری. تهران: میزان.
۱۷. علی‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۹۷). حقوق جنایی. تهران: فردوسی.
۱۸. گلدوزیان، ایرج. (۱۴۰۰). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
۱۹. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۹). حقوق جزای اختصاصی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۳). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: میزان.
۲۱. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۸). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: میزان.
۲۲. هاشمی، سیدمحمد. (۱۴۰۰). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی. تهران: میزان.
۲۳. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۲). حقوق جزای اختصاصی؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان.
۲۴. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۱). حقوق جزای اختصاصی؛ جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان.
۲۵. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
۲۶. نوربها، رضا. (۱۳۹۹). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: گنج دانش.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۸). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: میزان.

۲۸. کی‌نیا، مهدی. (۱۳۹۷). مبانی جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه تهران
۲۹. شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۹۸). حقوق جزای عمومی. تهران: مجد.
۳۰. گرجی، ابوالفتح. (۱۳۹۹). مقالات و مباحثی در حقوق عمومی و حقوق بشر. تهران: میزان.
۳۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۴۰۰). حقوق اداری. تهران: سمت.
۳۲. انصاری، ولی‌الله. (۱۳۹۹). حقوق اداری. تهران: میزان.
۳۳. امامی، محمد. (۱۳۹۸). حقوق اداری. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۳۴. مؤذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۰). حقوق عمومی و حمایت‌های قانونی از گروه‌های خاص. تهران: میزان.
۳۵. هاشمی، سیدمحمد. (۱۴۰۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: میزان.
۳۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). بررسی قوانین و مقررات مرتبط با ایثارگران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰). ارزیابی قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و چالش‌های اجرای آن. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳۸. بنیاد شهید و امور ایثارگران. (۱۴۰۱). گزارش تحلیلی وضعیت حقوقی و اجتماعی ایثارگران. تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران.

قوانین و مقررات

۳۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
 ۴۰. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳.
 ۴۱. قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
 ۴۲. قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۷۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
 ۴۳. قانون حمایت از آزادگان، مصوب ۱۳۶۸.
 ۴۴. قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، ازکارافتاده و مفقودالاثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، مصوب ۱۳۷۲.
 ۴۵. قانون تعیین تکلیف استخدامی فرزندان شهدا و جانبازان، مصوب ۱۳۹۲.
 ۴۶. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲.
 ۴۷. قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی.
 ۴۸. قانون مجازات فعالیت‌های غیرمجاز در امور سمعی و بصری، در موارد مرتبط.
- قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی